



۲۰۱۷/۰۶/۱۳



جلیل غنی هروی

## وساطت چین بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس شانگهای

هفدهمین کنفرانس شانگهای روز پنجشنبه هشتم جون ۲۰۱۷ در آستانه مرکز قزاقستان با اشتراک اعضای دایمی و ناظر این سازمان دایر و برای دو روز دوام نمود.

سازمان همکاری های شانگهای در سال ۲۰۰۱ میلادی برای گسترش همکاری های نظامی و اقتصادی و برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ امریکا و ناتو در منطقه، ایجاد شد. چین، روسیه، قزاقستان، تاجکستان، ازبکستان، قرغزستان، هند و پاکستان اعضای این سازمان هستند. هند و پاکستان در هفدهمین جلسه این کنفرانس در آستانه به حیث اعضای دایمی انتخاب شدند و درحال حاضر افغانستان، بلاروس، ایران و مغلستان از اعضای ناظر این سازمان محسوب می شوند. اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در ملاقاتش با شی جین پینگ رئیس جمهور چین در حاشیه این کنفرانس خواستار عضویت دایمی در این کنفرانس گردید و رئیس جمهور چین وعده داد که این درخواست را مورد مطالعه قرار می دهد.

گر چه افغانستان عضو دایمی این کنفرانس نبود و به حیث ناظر دران اشتراک داشت ولی جنگ و بی ثباتی در افغانستان یکی از موضوعات عمده مورد بحث کنفرانس بود و هر یک از رهبرانی که درین کنفرانس بیانیه دادند، بر موضوع افغانستان تماس گرفته و خواهان ختم جنگ و جلوگیری از دهشت افگنی و سرایت آن به مناطق شان گردیدند. این جنگ مایه نگرانی کشور های همسایه افغانستان از جمله تاجکستان، ازبکستان، قرغزستان و روسیه عضو دیگر کنفرانس شانگهای میباشد که منافع عمده ستراتیژیک درین منطقه و جمهوریت های همجوار و متحدین دیرینه اش میباشد. رهبران این کشور ها به شمول ولادیمیر پوتین و امام علی رحمن بر راه حل سیاسی معضله افغانستان و ختم جنگ و خونریزی تأکید داشتند چنانچه پوتین گفت جنگ افغانستان راه حل نظامی ندارد.

رئیس جمهور افغانستان در حاشیه این کنفرانس با بعضی از رهبران و مامورین عالیرتبه کشور های اشتراک کننده ملاقاتهای داشت که عمده ترین ملاقاتهای او با شی جین پینگ رئیس جمهور چین و نواز شریف صدر اعظم پاکستان بود.

در ملاقاتی که رئیس جمهور افغانستان با رئیس جمهور چین داشت و قبل از ملاقاتش با صدر اعظم پاکستان بود، رئیس جمهور چین خاطر نشان ساخت که آماده است مذاکرات سه جانبه بین افغانستان، چین و پاکستان را فراهم

سازد و بعداً افغانستان و پاکستان موافقه نمودند که در مذاکرات چهار جانبه که دران ایالات متحده امریکا هم شامل خواهد بود اشتراک نمایند. همچنان توافق به عمل آمد تا یک گروه کاری بین افغانستان و پاکستان تشکیل گردد و اولین جلسه آن در آینده نزدیک در کابل دایر خواهد شد.

پنجمین دور و آخرین دور این جلسات در پایان ماه ثور سال ۱۳۹۵ خورشیدی در اسلام آباد برگزار شده بود، که از جانب افغانستان، حضرت عمر زاخیلوال، سفیر افغانستان در پاکستان و نماینده خاص رئیس جمهور در آن اشتراک کرده بود؛ اما پس از آن به دلیل بروز مشکلات سیاسی در روابط دو کشور این جلسات برگزار نشد.

چین همچنان گفته است که از کنفرانس پروسه کابل و هر گونه مذاکره به رهبری افغانستان برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان پشتیبانی می کند.

پس از این ملاقات بود که داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و نواز شریف صدراعظم پاکستان ملاقات جداگانه داشتند. بعد از تشنجات گسترده در مناسبات بین افغانستان و پاکستان، این نخستین ملاقات بین رهبران دو کشور بود. رسانه های پاکستان گزارش داده اند که آنها در مورد روابط دو کشور، وضعیت منطقه و مبارزه با تروریسم گفت و گو کرده اند.

از سوی دیگر، آقای مرتضوی سخنگوی ریاست جمهوری، گفت رئیس جمهور غنی توافق پاکستان را مبنی بر اقدامات بیشتر علیه گروه های که امنیت دو کشور را تهدید می کنند، بدست آورد.

به گفته سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان، صدراعظم پاکستان در این دیدار حملات تروریستی اخیر را در کابل، محکوم کرد و تعهد نمود که در برابر گروه های که به پروسه صلح نمی پیوندند، اقدام جدی خواهد کرد.

رئیس جمهور چین در ملاقاتش با رئیس جمهور افغانستان بر آمادگی برای مساعدت در زیر ساختهای اقتصادی و تقویة همکاری های اقتصادی و تخنیکی تاکید نمود. هم اکنون چین از پیشگامان سرمایه گذاری های کلان در افغانستان به شمار می رود که از جمله می توان از معدن مس عینک و داوطلب بودن سرمایه گذاری بر بند های بر دریای کنر نام برد.

چین هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی به یکی از بازیگران عمده سیاست منطقوی و جهانی مبدل شده است و می تواند نقش عمده در رفع تشنج بین افغانستان و پاکستان ایفا نماید. چین بیش از چهل و پنج میلیارد دلار در پروژه های زیر بنائی و رو بنائی پاکستان به شمول شاهراه قرا قرم که چین را از طریق بندر گوادر به بحر وصل می کند سرمایه گذاری کرده است. اتصال چین از طریق این شاهراه به بحر در بندر گوادر حیثیت شاهرگ اقتصادی چین را دارد که پاکستان نیز از آن عواید سرشار اسعاری به دست می آورد. این سرمایه گذاری ها بیشتر بر زراعت و مواصلات و انرژی تمرکز دارد که مورد نیاز مبرم پاکستان است.

از جانب دیگر چین مناسبات حسنه با افغانستان دارد و اکنون یکی از شرکای عمده اقتصادی افغانستان است و در جون سال ۲۰۱۲ پیمان همکاری های ستراتیژیک را با افغانستان امضا کرد. در ماه سپتمبر گذشته بود که «ژو یانگ کانگ» عضو کمیته دایمی بیوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از کابل دیدن کرد. او عالیرتبه ترین مامور چینائی بود که بعد از چهل و شش سال از کابل دیدن می کرد.

بدین ترتیب چین منافع عمده اقتصادی هم در افغانستان و هم در پاکستان دارد. علاوه برآن چین از تاثیرات نفوذ افراط گرایان بر ایالت سیکیانگ که مسلمانان ایغور در آنجا هم سرحد با افغانستان و پاکستان بسر می برند

نگرانی دارد. سازمان ترکستان شرقی که از مسلمانان ایغور تشکیل گردیده و برای آزادی این ایالت و تأسیس یک نظام اسلامی در آن از سالیان دراز به این طرف مبارزه مسلحانه میکند. افراد این سازمان در صفوف گروه های دهشت افکن و تندرو اسلامی که از پاکستان فعالیت دارند، تمرین و عملیات می کنند. بنأ تنها منافع اقتصادی نیست که چین در تأمین ثبات در افغانستان پیشقدم می شود و می خواهد نقش میانجی را برای نزدیکی افغانستان و پاکستان و سهولت بخشیدن در تأمین صلح در افغانستان بازی کند، بلکه منافع سیاسی این کشور هم یکی از عوامل عمده بشمار می آید.

با در نظر داشت مناسبات حسنه چین با افغانستان، نزدیکی مناسبات سیاسی، نظامی و اقتصادی آن با پاکستان و همچنان مساعدت های مالی و تخنیکی چین برای اعمار مجدد افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ و تبارز چین به حیث یک قدرت اقتصادی منطقه و جهان، بعید به نظر نمی رسد که دولت و مردم افغانستان هم نقش چین را در حل قضایای افغانستان، مخصوصاً در تأمین ثبات اقتصادی و سیاسی، مؤثر تر و مفید تر از نقش پاکستان ببینند.

با خروج بخش اعظم قوای بین المللی، در رأس ایالات متحده امریکا از افغانستان در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ پاکستان از هر وسیله و زمینه ای کار گرفت تا جامعه بین المللی را متقاعد بسازد که این کشور باید نقش کلیدی را در حل معضله افغانستان داشته باشد و این پالیسی تعقیب روش و دستوری بود که با طرح پالیسی عمق ستراتیژیک از طرف جنرال ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان پس از تهاجم قوای اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان وضع گردیده بود.

جامعه جهانی هم که در زمان مقاومت مردم افغانستان در برابر این تجاوز و بعد از برای مقاصد لوژستیکی انتقال سلاح و مهمات و سایر لوازم لوژستیکی از طریق زمین، به پاکستان احتیاج داشت به حرف ها و موقف پاکستان گوش شنوائی داشت و همواره افغانستان را از عینک پاکستان می دید و نظر جنرالان و سیاستمداران پاکستانی مسیر تفکر و پالیسی سازی را تعیین می کرد. با رفع نسبی این نیازمندی های جامعه جهانی از یکطرف، و موقف گیری های بهتر حکومت های افغانستان و همچنان اثبات تربیه و تجهیز دهشت افگان در پاکستان از طرف جامعه جهانی، از جانب دیگر، اخیراً تغییراتی در موقف گیری های جامعه جهانی در رأس ایالات متحده امریکا در رابطه با پاکستان به مشاهده می رسد و علایمی از آن را در جلسات استماعیه کانگرس و اظهارات مامورین امریکائی می توان دید. لذا دیگر آن گوش شنوائی که تا دو سال قبل وجود داشت در جامعه بین المللی وجود ندارد و دیگر نیرنگها و خدعه و فریب پاکستان بازاری در جامعه بین المللی کارگر نیست. روی همین دلایل و فشار های که از طرف جامعه جهانی بر پاکستان وارد گردیده اکنون پاکستان خودش اجلاس چهار جانبه را برای رفع تشنجات و یافتن راه حلی به جنگ در افغانستان در همسایگی این کشور و تاثیرات بر آن پاکستان پیشنهاد میکند.

البته تعیین آنانی که می توانند نقش رهبری را در پروسه صلح در افغانستان داشته باشند تنها در دست افغانستان نیست، گر چه رسماً گفته می شود که پروسه صلح افغانستان کاملاً یک پروسه افغانی است و رهبری آنرا خود افغان ها باید بدوش داشته باشند. ولی وقتی به تماس های بین المللی و گفت و شنود های پشت پرده و علنی دیده می شود، نقش دولت افغانستان کمرنگ به نظر می رسد. همانطوری که گفته شد این تنها یک بُعد مسأله است و بُعد دیگر آن، بُعد خارجی است که متحدین افغانستان و آنانی که از پانزده سال به این طرف در قضایای افغانستان مستقیماً دخیل بوده اند، و هر یک از این کشورها نگرانی های مشروع، منافع و ستراتیژی جداگانه در افغانستان

و منطقه دارند، سعی خواهند کرد به وفاداران شان نقش فراخور میل شان بدهند. ولی امر مسلم این است که همه در آرزوی صلح و ثبات در افغانستان هستند چون تجربه تقریباً چهل سال اخیر نشان داد که بی ثباتی و نا امنی در محدوده افغانستان محصور نمی ماند و با موقعیت خاص جغرافیائی، نه تنها تأثیرات ناگواری بر کشور های همسایه و منطقه دارد، بلکه اقصی نقاط جهان را هم بی تأثیر نمی گذارد.

پایان

